

# الخراج

ابویوسف یعقوب بن ابراهیم

مقدمه، ترجمه و تعلیق

سید محمدرحیم ربانی زاده



ژرفشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

به نام پروردگاریکتابه

## الخراج

ابویوسف یعقوب بن ابراهیم

مقدمه، ترجمه و تعلیق

سید محمد رحیم ربانی زاده



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۹



## پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، صندوق پستی ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵، تلفن: ۳-۸۱۰۴۶۸۹۱، فکس: ۸۱۰۳۶۳۱۷

### الخراج

مؤلف: ابویوسف یعقوب بن ابراهیم

مقدمه، ترجمه و تعلیق: سید محمد رحیم ربانی زاده

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

ویراستار مقابله‌ای: مرتضی تسلیمی پاک

مسئول فنی: عرفان بهار دوست

چاپ اول: ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: آوای خاور

قیمت: ۴۰,۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: ابویوسف قاضی، یعقوب بن ابراهیم، ۱۱۳-۱۸۲ق.

عنوان قراردادی: الخراج، فارسی

عنوان و نام پدیدآور: الخراج / ابویوسف یعقوب بن ابراهیم؛ مقدمه، ترجمه و تعلیق

سید محمد رحیم ربانی زاده؛ ویراستار مقابله‌ای مرتضی تسلیمی پاک.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۲۸۶ ص.

شابک: 978-622-630448-1

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: مالیات اسلامی -- قرن ۲-۳ ق.

موضوع: Taxation -- Islamic countries -- 8-9th centuries

موضوع: مالیات بر ارزش زمین (فقه) -- قرن ۲-۳ ق.

موضوع: Land value taxation (Islamic law) -- 8-9th centuries

موضوع: اموال غیر منقول -- مالیات (فقه)

موضوع: Real property tax (Islamic law)

شناسه افزوده: ربانی زاده، سید محمد رحیم، مترجم، مقدمه نویس

شناسه افزوده: تسلیمی پاک، مرتضی، ۱۳۶۶-، ویراستار

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شناسه افزوده: Institute for Humanities and Cultural Studies

رده بندی کنگره: BP۲۳۰/۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۳۳

شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۹۷۶۲۰

## فهرست مطالب

فهرست مطالب	۳
بسم الله الرحمن الرحيم	۷
مقدمه مترجم	۷
کتاب ابویوسف برای هارون الرشید	۲۳
فصل اول: تقسیم غنائم	۴۷
فصل دوم	۵۵
قسمت اول: احکام فی و خراج	۵۵
قسمت دوم: حکم عمر بن خطاب درباره خراج مردم سواد عراق	۶۱
قسمت سوم: حکم خراج زمین های شام و جزیره	۷۳
قسمت چهارم: کیفیت تقسیم بیت المال عصر خلافت عمر بن خطاب	۷۶
قسمت پنجم: اعمالی که شایسته است در اراضی سواد به آن ها عمل شود	۸۲
فصل سوم: احکام زمین های اقطاع	۹۳
قسمت اول: زمین های اقطاعی سواد عراق	۹۳
قسمت دوم: حکم زمین های اقطاعی جزیره العرب	۹۴
قسمت سوم: حکم خوارج درباره خراج	۹۵
قسمت چهارم: حکم خراج زمین های بصره و خراسان	۹۵
فصل چهارم	۱۰۱
قسمت اول: درباره اسلام آوردن بعضی از کفار حریبی و اعراب بادیه نشین به منظور حفظ اموال و اراضی شان در پناه اسلام	۱۰۱
قسمت دوم: حکم زمین های موات فتح شده با صلح یا لشکرکشی و دیگر زمین های موات	۱۰۲
قسمت سوم: حکم منع ورود مرتدان به منازلشان	۱۰۸
فصل پنجم	۱۱۱

- قسمت اول: حکم روستاها و شهرهای مفتوحه و زمین‌های آنان ..... ۱۱۱
- قسمت دوم: حکم زمین عشر و زمین خراج ..... ۱۱۲
- قسمت سوم: حکم آن‌چه از دریا خارج می‌شود ..... ۱۱۳
- قسمت چهارم: حکم عسل، گردو، و بادام ..... ۱۱۳
- فصل ششم ..... ۱۱۵
- قسمت اول: ماجرای حکم نجران و ساکنان آن ..... ۱۱۵
- قسمت دوم: حکم اموال مشمول زکات ..... ۱۱۹
- فصل هفتم ..... ۱۲۵
- قسمت اول: احکام افزایش و کاهش زکات و زمین‌های حاصل‌خیز ..... ۱۲۵
- قسمت دوم: حکم تبدیل زمین خراج به زمین عشر ..... ۱۳۳
- قسمت سوم: حکم فروش ماهی در بیشه‌زار ..... ۱۳۳
- قسمت چهارم: حکم اجاره زمین‌های ویران و نخلستان‌ها ..... ۱۳۴
- قسمت پنجم: حکم جزایر دجله و فرات و عقب‌نشینی آب آن‌ها ..... ۱۳۸
- فصل هشتم ..... ۱۴۱
- قسمت اول: حکم خراج قنات و چاه‌ها و رودها و آب‌های آشامیدنی ..... ۱۴۱
- قسمت دوم: حکم اجاره زمین‌های ساحل دجله و فرات ..... ۱۴۶
- قسمت سوم: حکم مرغزارها و چراگاه‌ها ..... ۱۵۰
- قسمت چهارم: حکم ضمانت‌نامه گرفتن از اراضی سواد و دیگر اقدامات ضروری از سوی فرمان‌داران ..... ۱۵۴
- فصل نهم ..... ۱۷۱
- قسمت اول: درباره مسیحیان بنی‌تغلب و دیگر اهل ذمه و نحوه رفتار با آن‌ها ..... ۱۷۱
- قسمت دوم: حکم جزیه اهل ذمه ..... ۱۷۳
- قسمت سوم: کسانی که جزیه بر آن‌ها واجب نیست ..... ۱۷۴
- قسمت چهارم: درباره کیفیت لباس اهل ذمه و زیورآلات آن‌ها ..... ۱۷۹
- قسمت پنجم: حکم جزیه مجوسان و بت‌پرستان و ازدین‌خارج‌شدگان ..... ۱۸۱
- فصل دهم ..... ۱۸۵
- قسمت اول: حکم خراج عشور ..... ۱۸۵
- قسمت دوم: حکم مراکز عبادت اهل ذمه و صلیب‌های مسیحیان ..... ۱۹۱
- فصل یازدهم: حکم اشرار و دزدان و جنایت‌کاران و میزان مجازات آن‌ها ..... ۲۰۵

فصل دوازدهم .....	۲۴۱
قسمت اول: حکم مرتدان از دین اسلام .....	۲۴۱
قسمت دوم: حکم ارزاق والیان و قضات .....	۲۴۹
قسمت سوم: حکم سربازانی که از بلاد خود خارج و وارد سرزمین مسلمانان می‌شوند .....	۲۵۱
	۲۴۹
قسمت چهارم: حکم جاسوسان .....	۲۵۱
قسمت پنجم: حکم نبرد با مشرکان و یاغیان و چگونگی دعوت آنان به اسلام .....	۲۵۴
منابع به کاررفته در تعلیقات .....	۲۸۵



# بسم الله الرحمن الرحيم

## مقدمه مترجم

وسعت قلمرو اسلامی و بسط و نفوذ آن در قرن‌های دوم و سوم هجری قمری مشاغل اداری متعددی را، به‌خصوص در زمینه امور مالی و خراج، به‌وجود آورد؛ در این مورد طبعاً مسلمانان می‌توانستند از تنظیمات دولت‌های سابق بهره‌گیری کنند. چنان‌که در ایران از طومارهای خسرو انوشیروان (۵۳۱-۵۷۹ م) در کار مساحی زمین‌ها استفاده کردند، ولی اوضاع جدید مستلزم فراهم آوردن اطلاعات دقیق و درست از تقسیم ولایات و مناطق مسکونی، محصولات کشاورزی و صنعتی، و تعیین خراج و مالیات‌های جنسی و نقدی بود. برای این منظور کتاب‌هایی خاص پدید آمدند که عنوان «کتاب الخراج» داشتند و راه‌نمای فرمان‌روایان و کارکنان دستگاه دولت و مأموران خراج بودند و به‌سرعت در دسترس همگان قرار گرفتند.<sup>۱</sup> درباره تاریخچه تأسیس دیوان‌ها می‌توان به این موضوع اشاره کرد که بعد از این‌که حکومت دینی در هر کجا پا بگیرد، به تبعیت از آن، مردم و اجتماعات در آن‌جا حضور به هم می‌رسانند و مؤسسات گوناگونی پیدا می‌شوند و نهادهایی تازه در آن‌جا شکل می‌گیرند که اساس کارشان سامان‌دهی شئون افراد جامعه است و قصدشان تنظیم علاقه‌ها و وابستگی‌های مردم به یک‌دیگر و نیز تنظیم وابستگی‌های

---

۱. ایگناتی یولیانوویچ کراچکوفسکی، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷، ص ۵.



دولت به مردم و برعکس و برقراری رابطه بین درخواست کمک دولت از مردم و تصدی کارهای دولتی است تا برای حکومت در سیمت‌های گوناگون ادای وظیفه کنند. هنگامی که مؤسسات و نهادهای گوناگونی پیدا شوند قطعاً دولت به آن‌ها نیاز پیدا می‌کند تا بتواند امور داخلی خود را به کمک آن‌ها سامان دهد و رابطه خودش را با دولت‌های همسایه تنظیم کند؛<sup>۱</sup> از این جاست که می‌توان ادعا کرد تحولات دولت با پیدایش این نهادها و انواع تحولات ایجادشده در آن‌ها مناسب و هماهنگ است. از آن‌جاکه دولت در کار سامان‌دهی امور جدید متأثر از گذشته است، اثرپذیری جوامع آینده از گذشته واضح می‌نماید و این اثرپذیری را در جامعه یا جوامع جزیره عربی قبل از اسلام و بعد از دولت عربی - اسلامی نیز به وضوح مشاهده می‌کنیم.

در جامعه قبل از اسلام نیز مؤسساتی تأسیس شدند که با طبیعت حیات جامعه سازگار بودند، با تأسیس قدرتی برتر که در قبیله قریش یا یکی از شاخه‌های آن در دارالندوه نماینده داشتند. آن‌ها مجلس شورایی متعلق به همین جامعه داشتند که به دست و به اراده همین گروه‌ها تکوین یافته بود و هر گروهی در آن‌جا مسئولیت ویژه‌ای داشت؛ مانند آب‌دادن به تاجران اطراف کعبه در ایام حج و خدمت‌رسانی به آنان که دو سیمت مهم سقایت و رفادت را تشکیل می‌دادند و تجلی‌گاه قدرت در بطن زندگی آن‌ها بود.<sup>۲</sup>

این گروه‌ها پایه و اساس قدرت را در زندگی توده‌های مکه تشکیل می‌دادند و جنگ و صلح را در زمان تعرض و تهدید نیروهای خارجی رهبری می‌کردند. پیامبر خدا (ص) دولتی را در مدینه منوره تأسیس کرد و سپس آن دولت گسترش یافت تا این‌که همه شهرهای حجاز را تحت سلطه خود درآورد. دولت مردان حکومت اسلامی از همان آغاز تشخیص دادند که به تعدادی کاتب احتیاج دارند؛ شخص پیامبر تعداد بسیاری کاتب داشت که هر کدام از کاتبان در نوع خاصی از اقسام کتابت تخصص داشتند؛ حسن دیگر آنان علاوه بر تخصص این بود که هر کدامشان یک یا چند نفر جانشین و قائم‌مقام داشتند که در زمان غیبت کارهای آنان را انجام می‌دادند. از کاتبان وحی گرفته تا دیگر کاتبان مخصوص پیامبر که نیازهای شخصی او را می‌نوشتند؛ بعضی از کُتاب واقعه‌نگار بودند و حوادث و اتفاقات بین مردم را یادداشت می‌کردند، عده‌ای از آنان حوادث بین قبیله‌ها و نحوه تقسیم

۱. عبدالعزیز الدوری، مقدمه فی تاریخ صدر الإسلام، بغداد: د. ن. ۱۹۴۹، ص ۷۰-۷۱؛ ابوالقاسم اجتهادی، «تحقیقی درباره خراج»، مجله مقالات و بررسی‌ها، شماره ۵ و ۶، ۱۳۵۰، ص ۲۵-۵۵.

۲. همان، ص ۷۱.

آب بین آنان را تحریر می‌کردند، بعضی دیگر غنائم جنگی پیامبر را ثبت می‌کردند، یک یا چند نفر از آنان نامه‌های پیامبر را برای پادشاهان ممالک دیگر می‌نوشتند، و دیگر کاتبان در زمینه‌های گوناگون کتابت می‌کردند.

در دوران خلافت عمر بن خطاب حکومت عربی - اسلامی توسعه پیدا کرد و تمامی جزیره عربستان و شهرهای شام و عراق و جزیره فراتیه و مصر در قلمرو حکومت اسلامی قرار گرفتند. پس از فتح این شهرها و کشورها، اداره فتوحات اسلامی و مدیریت آن‌ها بدون داشتن دیوان و کاتب مقدور نبود، کشورداری و برپایی حکومت و دیوان و کاتب و داشتن مؤسسات اداری یک ضرورت بود؛ به همین علت، نیاز شدید به تأسیس دیوان و آموزش کاتبان و تربیت نیروهای تخصصی برای هر دیوان احساس می‌شد؛ توجه به کتاب و نویسندگان از آغاز خلافت عمر شروع شد و دیوان خراج و دیوان نیروهای مسلح، یعنی ارتش، شکل گرفت. دیوان خراج در ابتدا به زبان رایج مردم استان‌ها و شهرهای قبل از فتح مسلمانان اداره می‌شد،<sup>۱</sup> زیرا نویسنده‌ها و منشی‌های دیوان خراج در شهرهایی که مردمش عرب نبودند از اهالی همان شهر انتخاب می‌شدند؛ مانند زبان فارسی در بصره و کوفه و زبان اهل ذمه یا کسانی که یونانی را خوب می‌دانستند در بلاد شام و زبان قبطی یا یونانی در مصر.<sup>۲</sup>

این روش ادامه داشت تا زمان خلافت عبدالملک مروان (۶۵-۸۶ ق/ ۶۸۵-۷۰۴ م)؛ در زمان او کار به گونه‌ای دیگر اداره می‌شد. او نخست دستور داد تا اسناد در دسترس را به عربی ترجمه کنند؛ در نتیجه، همه اسناد دیوان خراج در شهرهای شام و مصر و عراق به عربی تبدیل شد و این برگردان به عربی تا زمان هشام بن عبدالملک به طول انجامید (۱۰۵-۱۲۵ ق). اکثر کاتبان دیوان خراج در خراسان مجوسی بودند و همه اسناد و محاسباتشان به فارسی بود تا این که، بنابه نقل جهشیاری، والی عراق نامه‌ای را با بیکی به نام سلیمان طیار به والی خراسان (نصر بن سیار) فرستاد و در آن نامه دستور داد که هیچ کس از مشرکان را برای انجام دادن کارهای اداری و کتابت و منشی‌گری استخدام نکند. نصر بن سیار هم همه اسناد دیوان‌ها را به عربی تبدیل کرد و کار ترجمه را فردی به نام اسحاق بن طلیق کاتب از قبیله بنی‌نهلش انجام می‌داد.<sup>۳</sup>

۱. سید امیرعلی، مختصر تاریخ العرب و التمدن الاسلامی، ترجمه ریاض رأفت، القاهرة: د. ن، ۱۹۳۸، ص ۳۵۹؛ جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه و نگارش علی جواهرکلام، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۳، ص ۲۱.

۲. همان، ص ۳۵۹.

۳. محمد بن عبدوس جهشیاری، الوزراء و الکتاب، بیروت: دار الفکر الحدیث، بی‌تا، ص ۳۴.

دیوان‌ها در زمان خلافت عباسیان دقیق و منظم شدند؛ به طوری که، این انضباط اداری شکل واقعی خودش را به دست آورده بود و در زمان مهدی خلیفه عباسی (۱۵۸-۱۶۹ ق/ ۶۸۵-۷۷۵ م) و زمان وزارت عبیدالله معاویه بن یسار وارد مرحله تازه‌تری شد. بنابه گفته صاحب تاریخ فخری، ابو عبدالله درآمد را جمع کرد و دیوان خراج را مرتب کرد و نظم و قانون را مقرر ساخت و ادارات دولتی را به نظم درآورد، مثل کاری که در نوشتن کتاب درباره خراج انجام داد، او اولین کسی بود که کتابی درباره خراج نوشت و احکام شرعی و جزئیات آن را هم راه با قواعد خراج تألیف کرد.<sup>۱</sup>

معاویه بن یسار به منزله اولین تحول تعریف مقاسمه و خراج را عوض کرد و مقاسمه<sup>۲</sup> را به جای روش سابقی که از آن پیروی می‌شد قرار داد. قاضی ابویوسف در عصر هارون الرشید هم این تحول را در روش جمع‌آوری خراج تأیید کرد؛ چنان‌که گفته است: از من سؤال شد چرا رأی دادی که اهل خراج مقاسمه بدهند و از آنچه از زمین به دست می‌آید مانند اصناف غلات (جو و گندم) و چیزهایی که از درخت خرما و درخت انگور و درخت‌های دیگر به دست می‌آید همگی باید مقاسمه بپردازند؟ طبق قانونی که تو وضع کردی و مقاسمه را تعریف کردی، پس چرا مقاسمه عمر بن خطاب را رد نکردی که درباره اراضی و نخل‌ها و درخت‌های دیگر وضع کرده بود و مردم هم از کار او راضی بودند و برای آن‌ها تحمل‌پذیر بود؟ جواب ابویوسف این است که عمر در آن زمان تشخیص داد که زمین با محصولاتی که می‌دهد خراجی را که بر او بسته‌اند می‌تواند تحمل کند و موقعی که این قانون را وضع کرد نگفت این خراج بر صاحب زمین واجب و قطعی است و کسی حق ندارد بعد از من از این مقدار کم کند و یا بر آن بیفزاید و خلفای بعد از من هم چنین حقی ندارند و بالاتر این که خود من هم حقی ندارم که این مقدار را تغییر دهم، بلکه هنگامی که عثمان بن حنیف و حذیفه یمانی خبر آوردند که

۱. ابن طقطقی، الفخری، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۵۰، ص ۵۳.

۲. مقاسمه در اصطلاح مالیاتی نحوه‌ای خاص در برآورد و جمع‌آوری خراج بود که براساس آن مالیات زمین را نه براساس مساحت، بلکه براساس کمیت محصول زمین می‌گرفتند و به صورت بخشی از محصول اخذ می‌شد؛ مثلاً از محصول زمین پس از جمع‌آوری نسبتی به اختلاف دوسوم تا یک‌دهم در حکم مالیات برمی‌داشتند. دنت در مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام این نسبت را یک‌پنجم و یک‌دهم ذکر کرده است. حسین مدرسی طباطبایی این نسبت را بین دوسوم تا یک‌دهم ذکر کرده است. جهشیاری این نسبت را بین یک‌ششم تا یک‌سوم محصول و در نوسان بیان کرده است (احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران: نقره، ۱۳۳۷، ص ۴۰۶؛ احمد بن عمر بن رسته، الأعلاق النفیسه، ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۵، ص ۱۲۰).

اراضی عراق را چگونه به کار گرفته‌اند و چه مالیاتی بر آن‌ها بسته‌اند، عمر گفت شاید شما کمر زمین را شکسته‌اید و مالیاتی تعیین کرده‌اید که نمی‌تواند تحمل کند؟ عمر معتقد بود که تحمل کردن یا تحمل نکردن زمین برای بعضی از مالیات‌ها معیار تعیین مالیات است و همین امر باعث شده است که آیندگان در تعیین مقدار مقاسمه به آن استناد کنند و در تقدیر و اندازه خراج استناد به حرف عمر اساس قرار گیرد و بعد از آن هم کار به همان شکل ادامه یابد. در عصر خلافت اسلامی دیوان خراج به چند مجلس یا واحدهای اداری تقسیم می‌شد، که مجالس مربوط به دیوان خراج عبارت‌اند از مجلس اصل و مجلس حساب و مجلس تفصیل.

۱. مجلس اصل: در این مجلس دو نوع سند وجود دارد، سندهای کلی (امروز به آن‌ها بنچاق می‌گویند) و سندهای تفصیلی که برای هر زمینی از اراضی خراج در همه مناطق تحت نظر دولت صادر می‌شود و از آن نگه‌داری می‌شود، اعم از اراضی داخلی و اراضی خارج از کشور که در مالکیت دولت دیگری است، ولی دفاع از آن بر عهده دولت اسلامی است. این مجلس حل و فصل‌کننده دعاوی و اختلافاتی است که بین عمال خراج و رجال آن کشور و بین کشاورزان و صاحبان زمین درباره اندازه‌گیری محصول حاصل می‌شود و کارش رسیدگی به آن‌ها و گرفتن خراجی است که حق دولت است؛

۲. مجلس حساب: در این مجلس به حساب اشیایی که به دیوان خراج می‌رسد، از هر اقلیم و یا از هر ولایت و استانی که باشد، رسیدگی می‌شود؛ سپس، این اشیای وارد شده را محاسبه و با دیوان‌های دیگر مقابله می‌کنند؛

۳. مجلس تفصیل: در این مجلس به‌طور مفصل به حساب هر نوع از وارداتی که به دیوان خراج می‌رسد رسیدگی می‌شود و طبق فهرست فرستاده شده از طرف عمال ولایات حساب بررسی می‌شود. سپس، آن را با قواعد حاکم در دیوان خراج مقایسه و اندازه‌گیری می‌کنند و آن‌چه باید به دولت پرداخت شود از آن برمی‌دارند. اگر بین حساب مجلس تفصیل و محاسبات دیوان خراج اختلافی باشد، آشکار می‌شود و کار را به همین منوال ادامه می‌دهند تا امور براساس نظم سامان یابند و طبق اصول عمل شود.

با توجه به شرح فوق، در عصر حاکمیت اسلامی، به‌علت اهمیت دیوان خراج در نظام اقتصادی، کتب بسیاری درباره این موضوع تألیف شدند؛ از کتب مهم در موضوع خراج می‌توان به آثار مؤلفان اسلامی هم چون کتاب الخراج ابوزکریا یحیی بن آدم (۲۰۳ق)، کتاب الخراج ابوعلی الحسن بن زیاد اللؤلؤی (۲۰۴ق)، الخراج ابو عبدالرحمن الهیثم بن علی الثعلبی (۲۰۷ق)، الخراج احمد بن محمد بن عبدالکریم بن ابی سهل الاحول

(۲۰۷ ق)، الخراج ابوالقاسم عبیدالله بن احمد الكلوزانی (۳۳۶ ق)<sup>۱</sup>، و الخراج وصناعة الكتابة قدامة بن جعفر (۳۳۷ ق) اشاره کرد. در این کتب همانند کتاب الخراج ابویوسف مسائلی مانند غنیمت، فی، خراج، جزیه، و ثروت‌های به‌دست‌آمده از راه جنگ یا صلح بحث شده‌اند، اما بررسی جامع این موضوعات و موضوعات دیگر برجستگی کتاب ابویوسف در مقایسه با دیگر آثار است. دومین کتاب بعد از کتاب الخراج ابویوسف کتاب الخراج یحیی بن آدم است که در زمان خلافت مأمون عباسی نوشته شده است. برخلاف کتاب ابویوسف که با جهت‌گیری فقهی بوده است، به‌نظر می‌رسد کتاب یحیی کتابی تألیفی و گردآوری باشد. قدرت ابویوسف در تحلیل‌ها و توانایی‌اش در استخراج قوانین شرعی نهفته است، درحالی‌که، به‌نظر یحیی صحت و اعتبار و کامل‌بودن حدیث از مسائل مهم به‌شمار می‌آید. هم‌چنین، وی فقهی بی‌طرف بود که مستقل از مذاهب به کار خود می‌پرداخت. یکی دیگر از کتب مشهور در این زمینه کتاب الاموال ابو عبید قاسم بن سلام است که مرجع اصلی کتاب الخراج قدامة بن جعفر هم قرار گرفته است. این کتاب، برخلاف کتاب الخراج ابویوسف، بیش‌تر جنبه روایی دارد؛ درحالی‌که، کتاب ابویوسف جنبه‌های تحلیلی فراوانی دارد. در کتاب الاموال از روایات بیش‌تری استفاده شده و حتی از رهبران شیعه هم روایاتی نقل شده است که در کتاب الخراج ابویوسف چنین مسئله‌ای دیده نمی‌شود.

به‌استناد منابع، نام کامل قاضی ابویوسف یعقوب بن ابراهیم بن حبیب بن خنیس بن سعد بن بجیر بن حبیب بن اسعد کوفی انصاری (۱۱۳-۱۸۲ ق) است؛ وی قاضی‌ای نام‌دار و از بنیان‌گذاران فقه حنفی است که در سال ۱۱۳ هجری قمری هم‌زمان با خلافت امویان در کوفه دیده به جهان گشود.<sup>۲</sup> نقل است که پدرش در خردسالی ابویوسف درگذشت و تنگ‌دستی باعث شد که ابویوسف به رخت‌شویی بپردازد، اما باوجود گذران سخت زندگی از هر فرصتی برای دانش‌آموزی استفاده می‌کرد.<sup>۳</sup> فقه و حدیث را در کوفه نزد استادانی

۱. کلوزانی راوی صابی در کتاب الوزراء بوده و به‌احتمال کتابی در موضوع خراج داشته است (أبی‌الحسن الهلال بن المحسن الصابی، الوزراء أو تحفة الأئمة فی تاریخ الوزراء، مراجعه و تقدیم د. حسن الزین، بیروت: دار الفکر الحدیث، د.ت).

۲. خیرالدین زرکلی، الأعلام: قاموس تراجم لأشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربین والمستشرقین، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۹۹، ج ۸، ص ۱۹۳.

۳. ابن ندیم، الفهرست، تهران: چاپ‌خانه بانک بازرگانی ایران، ۱۳۴۳، ص ۲۸۶؛ ابوالفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی، البداية والنهاية، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۶ م، ج ۱۰، ص ۱۲۸.

چون عبدالرحمن بن ابی لیلی، مالک بن انس، و لیث بن سعد آموخت.<sup>۱</sup> ابویوسف از محضر بسیاری از فقهای نام دار وقت کسب علم کرد و در جوانی به خدمت ابوحنیفه پیوست و آن گونه که در تذکرة الاولیاء آمده است نوزده سال در خدمت وی بود و سرانجام به فقه رأی گرای ابوحنیفه گروید. او نخستین مروج اندیشه های ابوحنیفه به شمار می رفت. در زمان خلافت مهدی، هارون الرشید، و هادی به مدت هجده سال قاضی القضاة بغداد بود. او اولین کسی بود که این لقب را کسب کرد.<sup>۲</sup> به همین علت، «ابویوسف قاضی» به «قاضی القضاة» مشهور شد. ابویوسف لباس علما را از لباس عوام متمایز کرد. او اخبار، انساب، ایام عرب، و مغازی را خوب می دانست. حافظ حدیث بود و در بیش تر زمینه ها از جمله ادب قاضی، بیع، حدود، خراج، زکات، صید، ذباحت، فرایض، وصایا، و وکالت کتاب نوشت. بسیاری از بزرگان زمان چون احمد حنبل، محمد بن حسن شیبانی، و یحیی بن خالد برمکی از شاگردان او بودند. از زندگی و تحصیلات او اطلاعات چندانی در دست نیست. در تذکرة الاولیاء در ضمن شرح حال داوود طائی، که هم زمان با ابویوسف شاگرد ابوحنیفه بود، آمده است:

نقل است که چون محمد و ابویوسف در اختلاف افتادی، حکم او [داوود طائی] بودی، چون پیش او آمدندی، پشت بر ابویوسف کردی و روی به محمد آوردی و با محمد اختلاط کردی؛ با ابویوسف سخنی نگفتی. اگر قول، قول محمد بودی، گفתי قول این است که محمد می گوید و اگر قول، قول ابویوسف بودی، گفתי قول این است و نام او نبردی. گفتند هر دو در علم بزرگانند، چرا یکی را عزیز می داری و یکی را در پیش خود نگذاری؟ گفت: به جهت آن که محمد بن حسن از سر نعمت بسیار و رفعت دنیا برخاسته است و به سر علم آمده است، علم سبب عزت دین است و ذل دنیا، و ابویوسف از سر ذل و فاقه به علم آمده است و علم را سبب عز و جاه خود گردانیده. پس هرگز محمد چون او نبود که استاد ما را، ابوحنیفه، به تازیانه بزدند، قضا قبول نکرد و ابویوسف قبول کرد. هر که طریق استاد خلاف کند، من با او سخن نگویم.<sup>۳</sup>

امروزه آثار به جای مانده از ابویوسف چون اختلاف الأمصار، الرد علی سیر الأوزاعی، کتاب الخراج، و الجوامع در حوزه اختلافات و کتبی چند در ابواب فقهی گوناگون چون کتاب الصلاة و کتاب الزکاة از زمره منابع دست اول درباره مذهب حنفی محسوب می شوند.

۱. اسماعیل پاشا بغدادی، هدیه العارفین فی أسماء المؤلفین، بیروت: دارالعلم للملایین، بی تا، ج ۱، ص ۲۴۲.

۲. ابوبکر احمد بن علی الخطیب البغدادی، تاریخ بغداد، مدینة المنورة: المكتبة السلفية، دت، ج ۱، ص ۱۱.

۳. همان، ج ۱۰، ص ۱۲۸.

چنان‌که ضروری است هر فقیه مسلمان در فتاوی خود به احادیث نبوی نیز توجه داشته باشد، ابویوسف نیز همواره به احادیث پیامبر خدا (ص) عنایت ویژه داشت. شاید بتوان گفت که ابویوسف اولین شخصیتی بود که میان اندیشه اهل رأی و اهل حدیث جمع کرد و بیش‌ترین توجه خویش را در فتاوی فقهی به احادیث پیامبر خدا (ص) مبذول داشت. قاضی ابویوسف بیش از دیگران از احادیث پیامبر خدا (ص) تبعیت می‌کرد و به همین علت علامه مزنی درباره او می‌گوید: «ابویوسف أتبع القوم للحديث»: ابویوسف مطیع‌ترین قوم (اهل رأی) در برابر احادیث است. وی نه تنها فقیه بود، بلکه از جمله حفاظ حدیث نیز به حساب می‌آمد. گفته شده است او بسیار به محدثان و جلسات درسی آنان علاقه‌مند بود و اغلب در محفل محدثان شرکت می‌کرد و پس از این‌که حدود ۵۰ الی ۶۰ حدیث را به حافظه می‌سپرد به میان مردم می‌رفت و احادیث پیامبر خدا (ص) را برای شاگردان خود و همچنین دیگر مردم املا می‌کرد.<sup>۱</sup>

کتاب الآثار ابویوسف که اسناد آن پس از سه یا چهار راوی به پیامبر خدا (ص) می‌رسد بیان‌گر همت والای ابویوسف در توجه به حدیث و روایت آن است. در این‌که آیا ابویوسف به حدیث توجه داشته و در فتاوی خود از آن مستفید می‌شده است هیچ تردیدی نیست، اما بحث بر سر این است که آیا وی محدث هم بوده است یا خیر؟ بسیاری وی را از جمله ائمه حدیث (محدثان) برشمرده‌اند. از گروهی از محدثان و مشاهیر علم حدیث نیز درباره ابویوسف سخنانی نقل شده که دال بر آن است که وی از جمله حفاظ حدیث و علمای این فن بوده است. برای مثال، یحیی بن معین گفته است: «کان أبو یوسف ثقة» یا احمد بن حنبل گفته است: «أول ما طلبت الحديث ذهب إلى أبي يوسف القاضي ثم طلبنا بعده فكتبنا عن الناس»: اولین بار برای آموختن و طلب حدیث نزد قاضی ابویوسف و سپس به میان مردم رفتم و به جمع‌آوری و کتابت احادیث پرداختم.<sup>۲</sup> از میان دیگر مشاهیر علم حدیث ابن حبان او را شیخ و استاد خود معرفی کرده و وی را متقن دانسته است. ابن مدینی نیز او را از جمله محدثان معتبر و صدوق معرفی کرده است. گفته شده است احمد بن حنبل، که از معروف‌ترین محدثان و از مؤلفان بزرگ‌ترین مساند حدیثی اهل سنت است، احادیث بی‌شماری را از وی نقل و کتابت کرده است. وی ابویوسف را اولین استاد (شیخ

۱. همان، ج ۱۰، ص ۱۲۹.

۲. ابوالفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی، البداية والنهاية، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ ق/ ۱۹۸۶ م، ج ۱۰،

الحديث) خود معرفی کرده و او را محدثی منصف دانسته است. ابویوسف نیز هم چون استاد خود ابوحنیفه در نقل و روایت حدیث بسیار احتیاط می کرد، زیرا با توجه به فرمایش تهدیدآمیز پیامبر خدا (ص) که فرموده بود هر کس سخنی را به دروغ به وی نسبت دهد مستحق عذاب الهی خواهد شد، ابویوسف از خوف آن که مبادا مشمول این گروه از افراد شود همه سعی اش بر این بود که حدیث را همان گونه که می شنید و با همان الفاظ روایت کند. ابویوسف خود می فرماید: «لا ینبغی للرجل أن یحدث إلا بما یحفظه من وقت ماسمعه»: شایسته است هر کس قصد روایت حدیثی را دارد آن را همان گونه که شنیده است حفظ و با دقت و دقیق روایت کند. ناگفته نماند قاضی ابویوسف از اعمش، همام بن عروه، محمد بن اسحاق، یحیی بن سعید، و غیره احادیث فراوانی را روایت کرده است و بزرگانی چون امام محمد بن حسن و احمد بن حنبل و یحیی بن معین به روایت حدیث از او پرداخته اند.

شایان ذکر است که قاضی ابویوسف در هر حال حدیث را بر فتاوایی که براساس قیاس صادر شده بود ترجیح می داد و این گونه نبود که مثلاً به حدیثی صحیح دست یابد، ولی چون آن را خلاف فتوای استاد خویش ابوحنیفه یافته است حدیث را نادیده بگیرد و متعصبانه بر رأی استادش پافشاری کند. وی، ضمن این که در قبول حدیث احتیاط می کرد تا سخنی به دروغ به پیامبر خدا (ص) نسبت داده نشود، هر جا حدیثی را خلاف فتوای سلف خود می یافت به حدیث روی می آورد و از فتوای مزبور عدول می کرد.<sup>۱</sup>

یکی از مهم ترین آثار وی در نظام اقتصادی عباسیان کتاب *الخراج* است؛ درخصوص علت تألیف کتاب *الخراج* چنین آورده اند: بعد از فتوحات بلاد اسلامی، هارون الرشید حاکم وقت برای از بین بردن بی عدالتی و تأمین عدالت برای هر شهروند به فکر تنظیم و تدوین فقه اسلامی افتاد. اولین تلاش در این زمینه را عبدالله بن مقفع (۱۴۲ ق) انجام داد، اما تلاش وی با موفقیت چندانی هم راه نبود، چراکه از یک سو منحصر در شکایات قانونی و اختلافات بین مردم بود و قوانین و مقررات به خوبی بیان نشده بود و از سوی دیگر، تلاش وی به میزان قابل توجهی تحت تأثیر افکار حنفی بود و بیش تر به افکار آنان می پرداخت، نه وظایف حاکم و محکوم. بعد از آن، هارون الرشید از ابویوسف خواست که کتاب جامع حقوقی ای درباره وظایف دولت و مردم نوشته شود، با این هدف که در تنظیم امور مالی دولت اسلامی مبنای

۱. ابن ندیم، *الفهرست*، تهران: چاپ خانه بانک بازرگانی ایران، ۱۳۴۳، ص ۲۸۶؛ ابوالفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی، *البدایة والنهایة*، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ ق/ ۱۹۸۶ م، ج ۱۰، ص ۱۲۸.



کار حکومت عباسیان قرار گیرد. ابویوسف در مقدمه کتاب خود درباره انگیزه‌اش از تألیف کتاب می‌نویسد:

امیرالمؤمنین (هارون‌الرشید) از من خواست کتابی جامع برایش تدوین کنم تا در جمع‌آوری خراج، مالیات (عشر)، صدقات، جلایی (پرداختی کسانی که جلای وطن کرده و در سرزمین دیگری ساکن شده‌اند)، و امور دیگر به آن عمل گردد.<sup>۱</sup>

او در هفده سال پایانی عمر خود، که دقیقاً با منصب قضاوت وی هم‌راه بوده است، کتاب مشهور *الخراج* را نوشت. این کتاب در ابتدا نامه‌هایی بود که ابویوسف برای هارون‌الرشید نوشته بود. این نامه‌ها بعدها به نام *کتاب الخراج* مشهور شد، زیرا مسئله اصلی اشاره شده در این نامه‌ها روابط کشاورزی و وضع مالیات است.

به‌باور اغلب مورخان و صاحب‌نظران، کتاب وی از بزرگ‌ترین کتب فقه اسلامی و از منابع مهم تاریخی در زمینه اقتصاد به‌شمار می‌آید. وی در این تحقیق (*کتاب الخراج*) افزون‌بر تحقیقات فقهی، با استفاده از تحلیل عقلانی و تجربی، پدیده‌های اقتصادی، مالی، و غیره را بررسی کرده است و در هر زمینه‌ای سیاست‌های مالی خاصی را پیش‌نهاد می‌کند.

در زمان هارون‌الرشید خلیفه عباسی، بسیاری از سرزمین‌های مسلمانان، بر اثر اهمال و بی‌توجهی، دست‌خوش ویرانی شد و در پی آن خراج<sup>۲</sup> کاهش یافت. کتاب حاوی یادداشت‌ها و گزارش‌هایی به هارون‌الرشید خلیفه عباسی است که می‌کوشد سیستم مالیاتی آشفته و بسیار بغرنج قلمرو خلافت عباسیان را سامان بخشد.

بلیایف می‌گوید او با تردستی فراوان و با کمک دانش و آگاهی بسیار خویش در فقه اسلامی هر عمل خلیفه را درست و مبرا جلوه می‌داد و به‌همین علت سالیان دراز در مقام خویش باقی بود.<sup>۳</sup>

به‌نظر مترجم، با دقت در مطالب کتاب انتقاداتی جدی در خصوص نحوه جمع‌آوری مالیات و وضع شکنجه مالیات‌دهندگان مطرح می‌شود. مطالب کتاب *الخراج* بسیار جامع و متنوع است و مؤلف کتاب قبل از هر چیز از شکل‌های متعدد وصول و تأدیة مالیات سخن گفته و بدین مناسبت مالکیت و طرز استفاده از زمین را به مراتب متفاوت منقسم ساخته

۱. همان، ص ۵.

۲. درآمد دولت از ناحیه اراضی (ابویوسف، *کتاب الخراج*، بیروت: دارالمعرفة، ۱۳۰۲، ص ۳).

۳. ۱. ا. بلیایف، «اوضاع اقتصادی قلمرو خلافت عباسی»، ترجمه عنایت‌الله رضا، مجله معارف اسلامی، ش ۹، شهریور ۱۳۴۸، ص ۱۶.

است. وی سیر پیش‌رفت مناسبات اراضی دوران خود را به زمان پیامبر خدا (ص) گسترش داده است. یکی از دلایل توصیه هارون الرشید به نوشتن این کتاب شورش‌هایی بود که تقریباً سرزمین‌های اسلامی را فراگرفته بود و عمدتاً به علت ظلم و تعدی عمال مالیاتی خلیفه بود که مردم را به ستوه آورده بود.

برای نمونه از زمان حاکم‌شدن علی بن عیسی بن ماهان در خراسان (۱۸۰ ق) به بعد ظلم فراوانی از طرف عمال حکومت به مردم خراسان، سیستان، و گرگان وارد می‌شد؛ به گونه‌ای که، هارون الرشید ره‌سپار خراسان شد.

در این کتاب «فقه خراج» بیان می‌شود نه «تاریخ خراج» و اطلاعات به روش قدیم، یعنی جدا جدا و متفرق، ذکر شده است. این‌ها مواردی اولیه و ضروری‌اند که هم‌چنان به تنظیم و تحقیق و مقایسه و استخراج نتایج آن‌ها نیاز است. نتیجه آن‌که کتاب ابویوسف اغلب در زمینه مقولات ارزشی مبتنی بر شریعت است و دارای مشارکت‌های وصفی مهمی است.<sup>۱</sup>

ابویوسف برخی از معایب و مشکلات دوران هارون الرشید را که دیده و یا خبرش به وی رسیده ثبت کرده است تا از آن‌ها عیب‌جویی کند، معایب آن‌ها را نشان دهد، و خلیفه را وادارد که اقداماتی در جهت محو و ابطال آن‌ها در پیش گیرد. در عین حال، راه‌کارهای اصلاح عملی آن‌ها را هم پیش‌نهاد می‌دهد.

اکثر این معایب و مشکلات به ظلم کارگزاران در حق اهل خراج، گرفتن جزیه از افرادی که جزیه بر عهده آنان نیست و یا این‌که مطابق شرع اسلام مسلمان‌اند و نباید جزیه بدهند، و یا شکنجه آنان به منظور گرفتن مالیات مربوط می‌شود. ابویوسف در بخشی از کتاب خود به دریافت‌های اضافی که همراه مالیات از مالیات‌دهندگان گرفته می‌شد اشاره کرده و ضمن بیان آن‌ها حکومت را به‌طور جدی از گرفتن عوارض غیرقانونی منع کرده است که در این رساله ذکر می‌شود.

در تنظیم کتاب الخراج، قاضی ابویوسف در موارد ذیل تحلیل خاصی داشته است:

الف) مالیات عادلانه: ابویوسف به شدت مخالف واگذاری زمین به‌طور وسیع بود و پیش‌نهاد می‌کرد مالیات متناسب بر محصولات کشاورزی بسته شود و این نوع مالیات‌بندی

۱. شوقی دنیا، «اعلام الاقتصاد الاسلامی»، ص ۷۰، به نقل از محمد انس الزرقاء، «اسلامی کردن علم اقتصاد: مفهوم و روش»، ترجمه منصور زراءنژاد، فصل‌نامه اقتصاد اسلامی، س ۴، ش ۱۵، پاییز ۱۳۸۳، ص ۱۴.

عادلانه است و علاوه بر گسترش درآمد برای دولت باعث گسترش زمین‌های زراعی زیرکشت می‌شود که بالمآل موجب افزایش درآمدها نیز می‌شود؛<sup>۱</sup>

ب) نرخ مالیات: ابویوسف با وضع مالیات برای افراد براساس «حدس و گمان» مخالف بود. او معتقد به ارزیابی صحیح بود تا به این وسیله از نرخ‌های مالیات ناعادلانه جلوگیری شود. هنگامی که در مخالفت با وضع مالیات ثابت درباره درآمدهای ثابت پولی بحث می‌کردند، ابویوسف پیش‌نهاد نوعی نرخ مالیات تناسبی را مطرح کرد. وی هم‌چنین خاطر نشان می‌کند که باید مالیات تفاضلی وضع شود. علاوه بر این، او پیش‌نهاد می‌کند که حاکم می‌تواند براساس توانایی‌های پرداخت‌کنندگان مالیات اقدام به کاهش یا افزایش مالیات کند؛

ج) شرایط اخذ مالیات: ابویوسف در فصل ششم کتاب الخراج شرایطی را برای مالیات بیان می‌کند که عبارت‌اند از:

۱. حداقل مقدار عادلانه وضع شود؛
  ۲. هیچ ظلمی بر مؤدیان مالیاتی وارد نشود؛
  ۳. باعث حفظ خزانه شود؛
  ۴. به نفع دولت و مؤدیان باشد؛
  ۵. در انتخاب سیاست‌هایی که تأثیری برابر در خزانه دارند سیاستی ترجیح داده شود که به نفع مؤدیان مالیاتی باشد. براساس این نظریات معلوم می‌شود که ملاحظه اصلی ابویوسف در سیاست مالیاتی منافع عمومی است.<sup>۲</sup>
- ابویوسف با در نظر گرفتن ماهیت اموال عمومی معتقد بود که همه مسلمانان در رودخانه‌های بزرگ سهیم‌اند. هیچ کس حق ندارد که دیگران را از این حق محروم کند (مستثنی کردن دیگران) و هر کسی می‌تواند از منافع چنین اموال عمومی‌ای استفاده کند (بی‌رقیب بودن). ابویوسف معتقد است که دولت موظف به تهیه و تدارک چنین منافعی است؛ هم‌چنین، در مواردی مانند حفر کانال‌های بزرگ که مستلزم هزینه‌های بسیاری است تصدی دولت اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

۱. نجات‌الله صدیقی، «اندیشه‌های اقتصاد اسلامی: مبانی، تکامل و جهت‌گیری مورد نیاز»، از کتاب عقاید اقتصادی اندیشمندان مسلمان، ترجمه احمد شبیانی، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۵، ص ۴۷؛ امل عبدالحسن السعدی، فی الفکر الاقتصادي العراقي دراسته فی کتاب الخراج لأبی یوسف، ۱۴۱۰ ق، بی‌جا، ص ۱۲۴.

۲. امل عبدالحسن السعدی، فی الفکر الاقتصادي العراقي دراسته فی کتاب الخراج لأبی یوسف، ۱۴۱۰ ق، بی‌جا، ص ۱۲۶.

ابویوسف ملاک‌های تصمیم‌گیری درباره انجام دادن و یا ندادن طرحی خاص (مانند حفر کانال) را ارائه داده است. به عقیده وی، باید فرد تصمیم‌گیرنده نگاهی به طرح داشته باشد که «آیا نافع است یا مضر؟» اگر منافع آن بیش‌تر باشد، باید اجازه دهد که طرح اجرا یا تداوم داشته باشد و اگر ضررهای آن بیش‌تر باشد، باید جلوی آن را بگیرد.<sup>۱</sup>

ابویوسف مسئله توزیع هزینه‌ها در تولید کالاهای جمعی را نیز بررسی کرده است. برخی از این کالاها مانند کانال حفاری شده برای آبیاری اراضی متعلق به جامعه‌ای خاص است. به نظر وی، مسئولیت چنین کاری و هم‌چنین هزینه‌های آن باید به صورت جمعی تقسیم شود. وی هم‌چنین خاطرنشان می‌کند که باید هزینه‌ها محاسبه و متناسب توزیع شود. ابویوسف در این باره می‌گوید: «هر فردی باید هزینه این کار را با توجه به ثروتش پرداخت نماید».<sup>۲</sup>

ابویوسف از مشکل فرار مالیاتی آگاهی داشت و با هرگونه درهم‌ریختگی اموال و فرار از پرداخت زکات، به هر طریقی که فرد را در این راه یاری می‌رساند، مخالف بود. به همین علت، وی به صورت جدی مباحثی مانند صلاحیت مدیران مالیاتی و جمع‌آوری کنندگان مالیات و نیاز به تفویض صحیح اختیارات در حوزه مدیریت مالیاتی را بررسی کرده است.

از نکات مورد توجه قاضی ابویوسف احیای اراضی موات و مالکیت اراضی بود؛ وی تأکید فراوانی بر مسئله اصلاح و بهبود اراضی داشته است. ابویوسف مخالف هرگونه بی‌کاری و معطل ماندن اراضی بود. در نتیجه، به اعتقاد وی، کسی که زمین لم‌یزرع را احیا کند مالک آن می‌شود و هر کسی که زمینی را در مدت زمان خاصی (سه سال) به صورت بلااستفاده قرار دهد ادعای خود را درباره مالکیت از دست خواهد داد؛<sup>۳</sup>

(د) قیمت‌گذاری و کنترل قیمت: نکته بحث‌برانگیز در تحلیل اقتصادی ابویوسف به بحث‌های کنترل قیمت (تسعیر) مربوط می‌شود. ابویوسف مخالف تثبیت قیمت‌ها از سوی

۱. همان، ص ۲۷.

۲. نجات‌الله صدیقی، «اندیشه‌های اقتصاد اسلامی: مبانی، تکامل و جهت‌گیری مورد نیاز»، از کتاب عقاید اقتصادی اندیشمندان مسلمان، ترجمه احمد شبیانی، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۵، ص ۴۷؛ امل عبدالحسن السعدی، فی الفکر الاقتصادي العراقي دراسته فی کتاب الخراج لأبسی یوسف، بی‌جا، ۱۴۱۰ ق، ص ۱۲۷.

۳. امل عبدالحسن السعدی، فی الفکر الاقتصادي العراقي دراسته فی کتاب الخراج لأبسی یوسف، بی‌جا، ۱۴۱۰ ق، ص ۱۲۹-۱۳۲.

حاکم بود و نظریات او براساس سنت نبوی بنیان نهاده شده است. به عقیده وی، نه فراوانی غله علت قیمت‌های پایین است و نه کم‌یابی آن علت قیمت‌های بالا، بلکه ممکن است فراوانی و قیمت‌های بالا و کم‌یابی و قیمت‌های پایین به‌طور هم‌زمان وجود داشته باشد.<sup>۱</sup>

ساختار کتاب الخراج قاضی ابویوسف دارای دو بخش است؛ در بخش اول، مطالب در قالب یک باب، یک فصل، و سه عنوان کلی بیان شده و در بخش دوم، مباحث در ذیل ۳۴ فصل و یک باب مطرح شده است. پاره‌ای از مطالب مطرح شده در کتاب الخراج قاضی ابویوسف عبارت‌اند از:

- خطاب مؤلف به هارون الرشید در باب اهمیت و حساسیت مقام و جایگاه وی و عرضه کردن نصیحت‌هایی ارزنده به او با اتکا به قرآن (نصیحت‌هایی از قبیل «ایاک والأمر بالهوی والأخذ بالغضب» و «فاحذر أن تضع رعیتک فیستوفی ربها حقها منک») و ذکر احادیثی برای ترغیب وی به عمل کردن به آن نصایح و پرهیز از نادیده گرفتن آن‌ها؛

- حکم در چگونگی تقسیم غنیمت‌ها؛

- حکم در دریافت فیه و خراج؛

- کیفیتی که ابوبکر و عمر در تقسیم اموال عمومی بین اصحاب اتخاذ کردند؛

- وضعیت و حکم سرزمین‌هایی که به‌زور فتح شده‌اند یا با مصالحه به‌دست آمده‌اند و اثری از زراعت و بنا در آن‌ها دیده نمی‌شود.

کتاب قاضی ابویوسف، علاوه بر موضوع اقتصادی، به مسائل اجتماعی - مذهبی و سیاسی توجه خاصی داشته است؛ او به خراج اهل ذمه و حکم درباره مسیحیان نجران و مراکز عبادت و پوشش اهل ذمه و هم‌چنین مجازات فاسدان و دزدان توجه کرده است. این ترجمه برگرفته از کتاب الخراج قاضی ابویوسف چاپ دارالمعرفه لبنان در سال ۱۳۰۲ ق است. ترجمه کتاب شامل دوازده فصل است و هر فصل به چند بخش تقسیم شده است.

با توجه به این‌که این کتاب نخستین تحقیق مستقل اقتصادی است<sup>۲</sup> و به‌نظر برخی از جهت قوت استدلال و گستردگی مباحث شبیه کتاب دالتون، استاد مالیه عمومی در عصر حاضر، است<sup>۳</sup> و نخستین کتابی است که جایگاه و نقش دولت اسلامی در فعالیت‌های اقتصادی را تبیین می‌کند. این کتاب در درجه اول به وضع مالیات می‌پردازد. در نظام

۱. همان، ص ۱۳۴.

۲. محمد شوقی الفنجری، المذهب الاقتصادي فی الاسلام، مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۸۶، ص ۱۷.

۳. ابراهیم العسل، توسعه در اسلام، ترجمه عباس عرب، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۸.

حکومت اسلامی میان مالیات‌گذاری و حکومت عادل رابطه‌ای نزدیک برقرار بوده است.<sup>۱</sup> بنا بر دیدگاه مترجم، این کتاب برای مطالعه دقیق حیات اقتصادی و اجتماعی خلافت اسلامی عصر عباسی بسیار مفید است. در خصوص ترجمه این اثر باید اشاره شود که اولین بار میرعلی اصغر شجاع در سال ۱۳۳۵ در افغانستان، آن گونه که ایشان در مقدمه آورده است، به دستور وزیر مالیه وقت این اثر را ترجمه کرد، ولی ترجمه روان و دقیقی ارائه نداده است، تاجایی که برخی از عبارات عربی را به همان شکل در متن آورده است. در پایان نامه کارشناسی ارشد، با عنوان ترجمه و تحقیق بخشی از کتاب *النخراج*، شیدالله رستخیز شورکاوی در سال ۱۳۷۴ ش قسمتی از این کتاب را ترجمه کرده است. هرچند به متن اصلی این پایان‌نامه دسترسی نداشتم، با توجه به فهرست مطالب آن محقق، مشخص شد که فقط بخشی از این کتاب ترجمه شده است. بنابراین، با این اثر ترجمه کامل کتاب *النخراج* در دسترس علاقه‌مندان به تاریخ اقتصادی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی قرار می‌گیرد.

در پایان امیدوارم ترجمه این اثر برای علاقه‌مندان حوزه تاریخ مفید و مؤثر باشد و به درک حقیقت تاریخ کمک کند. ضمن این که چند نکته‌ای را نیز درباره ترجمه یادآور می‌شوم: در ترجمه این اثر سعی بر این بوده است که امانت رعایت شود و ترجمه بر متن اصلی متکی باشد. توضیحات مربوط به متن، به شکل مختصر و بعضاً اگر جایی نیاز به توضیح کامل باشد، به صورت پانوشت ذکر شده است و در نتیجه همه پانوشت‌ها از مترجم است.

۱. آن.کی.اس. لمبتون، دولت و حکومت در اسلام، ترجمه و تحقیق سیدعباس صالحی و محمدمهدی فقیهی، تهران: عروج، ۱۳۷۴، ص ۱۱۷.